

# مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند دادرسی کیفری به مثابه سرمایه اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۱

(صص ۶۵-۸۹)

مهدی شیدائیان\*<sup>۱</sup>

مسلم واحدی<sup>۲</sup>

علی عسگری مروت<sup>۳</sup>

## چکیده

سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان یک سرمایه اجتماعی برای همه دولت‌ها مطرح هستند به نحوی که امروزه یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی هر کشور به میزان دخالت و مشارکت این سازمان‌ها در اداره امور مملکت بستگی دارد، در چند سال اخیر سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور ما حضور فیزیکی دارند. از همین رو در راستای سیاست جنایی مشارکتی ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک نوآوری به سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها جنبه حمایتی دارند به صورت حصری در جهت مداخله در فرآیند کیفری پرداخته است. که از این پس با وجود اینکه سازمان‌های مذکور بزه دیده اصلی نیستند اما تحت شرایطی در دادرسی کیفری ایفای نقش می‌کنند. هدف اصلی پژوهش پیش رو از یک سو بررسی نقش سمن‌ها در فرآیند کیفری و از طرف دیگر راهکارهای توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی این سازمان‌ها در فرآیند کیفری است که آن‌ها را مورد شناسایی و بررسی قرار داده‌ایم. و در صورت بهبود بخشی و توجه به این موارد وضعیت سازمان‌های مذکور در جریان رسیدگی‌های کیفری ارتقاء پیدا خواهد کرد.

**واژگان کلیدی:** سازمان‌های مردم‌نهاد، فرآیند کیفری، سرمایه اجتماعی، حمایت کیفری

## ۱. مقدمه

سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان یک سرمایه اجتماعی برای همه دولت‌ها مطرح است به

---

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس فارابی) (نویسنده مسئول)

[m\\_sheidaei@ut.ac.ir](mailto:m_sheidaei@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)

[moslem.vahedi@ut.ac.ir](mailto:moslem.vahedi@ut.ac.ir)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس

فارابی) [asgari.morovat@ut.ac.ir](mailto:asgari.morovat@ut.ac.ir)

نحوی که می‌توان این نهادها را یک ظرفیت اجتماعی دانست که دولت و مجلس باید از این سرمایه استفاده نمایند. در این میان، نباید از نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی حامی حقوق بزه‌دیده، غافل بود. این سازمان‌ها که دارای هویت و شخصیت مستقل هستند با مشارکت و مسئولیت‌پذیری اقدامات مختلفی در سطوح کلان، تصمیم‌گیری‌ها و بخش‌های مختلف قانونگذاری و اجرایی کشور در جهت حفظ حقوق بزه‌دیدگان انجام داده‌اند.

قانون آیین دادرسی کیفری برگرفته از سیاست جنایی مشارکتی نقش سمن‌ها را در جریان رسیدگی کیفری به رسمیت شناخته و در ماده ۶۶ قانون مذکور منعکس شده است. این در حالی است که در قانون مذکور تا قبل از اصلاحات خرداد ۱۳۹۴ دارای چهار نقش بودند که عبارتند بودند از اعلام جرم، شرکت در مراحل دادرسی، اقامه دلیل، اعتراض به آراء مراجع قضایی که با در نظر گرفتن این چهار نقش سازمان‌های مذکور به طور دقیق‌تری به اهداف مورد نظر سیاست جنایی مشارکتی نزدیک می‌شد. علی‌رغم این موضوع در خرداد ماه سال ۱۳۹۴ دستخوش اصلاحاتی گردید. که دایره اختیارات سازمان‌های مذکور محدود گردید و فقط به عنوان یک اعلام‌کننده جرم و شرکت‌کننده در دادرسی تنزل یافت. این در حالی است حق اعلام جرم، حقی ویژه و مختص سمن‌ها نیست و طبق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام جرم توسط «ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن» هم صورت می‌گیرد. بنابراین اگر سمن‌ها هم اعلام جرم نکنند اشخاص و مقامات فوق این حق را دارند. با این حال با وضع چنین اصلاحی در جریان موضوع سبب کاهش سرمایه اجتماعی در میان سازمان مردم‌نهاد گشته است.

در این نوشتار پس از ذکر کلیات موضوع تحقیق، به تعریف فلسفه تأسیس، اهداف و ویژگی‌های این تشکله‌ها، به نقش و فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین به

شناسایی و بررسی موارد تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه حمایت در فرآیند کیفری از بزه‌دیدگان به ارائه پیشنهادات و راهکارهای لازم می‌پردازیم.

## ۲. روش پژوهش

هدف این پژوهش کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی می‌باشد. در این تحقیق به منظور جمع‌آوری داده‌ها، آمیزه‌ای از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی به کارگرفته شده است. در روش کتابخانه‌ای، مفاهیم و تعاریف متغیرهای تحقیق، ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق مورد بررسی و بازنگری قرار گرفته و در نهایت به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از روش پیمایش استفاده شده است.

## ۳. بحث اصلی

### ۳-۱. سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های غیر دولتی که به گروه‌های مختلف بزه دیده می‌پردازند محرک آغازین جنبش‌های دفاع از این گروه‌ها بودند. برخی از آن‌ها دامنه دسترسی خود را به پرداختن حقوق و خدمات به همه بزه‌دیدگان گسترش دادند. یکی از مقرراتی که در این خصوص به تصویب رسیده است «آیین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد» مصوب ۱۳۸۴ هیأت وزیران است. ماده ۱ این آیین نامه سازمان‌های مردم‌نهاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «... تشکلهایی که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد». از سوی دیگر مرل<sup>۱</sup>

یکی از نظریه پردازان فرانسوی سازمان‌های مردم نهاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «هرگونه گروه، تشکل یا جنبشی که به شیوه ای دائمی از جانب اشخاص خصوصی متعلق به چندین کشور برای پیگیری اهداف غیرانتفاعی تشکیل شده باشد» (Ryfman, 2009, P.20).

یکی از ویژگی‌های سازمان‌های مردم نهاد غیردولتی بودن است این ویژگی را می‌توان مهم‌ترین ویژگی این سازمان‌ها معرفی کرد. این سازمان‌ها را مردم تأسیس می‌کنند و دولت در تشکیل آن‌ها نقشی ندارد به عبارتی این سازمان‌ها در دیوان سالاری دولتی جایی ندارند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۴۶). تبصره ۲ ماده ۱ آیین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد مصوب ۱۳۸۴ هم در این راستاست که مقرر می‌دارد: «واژه غیردولتی به این معناست که دستگاه‌های حکومتی در تأسیس و اداره سازمان دخالت نداشته باشند. مشارکت مقامات و کارکنان دولتی در تأسیس و اداره سازمان، در صورتی که خارج از عنوان و سمت دولتی آنان باشد، مانع وصف غیردولتی سازمان نخواهد بود». غیرانتفاعی بودن نیز یکی دیگر از ویژگی‌ها است هیچ سازمان مردم نهادی به انگیزه سودجویی شکل نمی‌گیرد و در پی کسب سود برای اشخاص یا گروه‌های خاص نیست. هرچند سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند در فعالیت‌های تجاری مشارکت کنند و تولید سود و سرمایه کنند ولی این سود و سرمایه باید صرفاً در جهت اهداف سازمان مصرف شود و به اعضاء، مؤسسان و مدیران تعلق نگیرد (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۴۶). آیین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد هم در تبصره ۴ ماده ۱ خود هدف غیرانتفاعی سازمان‌های مردم نهاد را، عدم فعالیت‌های تجاری و صنفی به منظور تقسیم منافع آن بین اعضاء، مؤسسان، مدیران و کارکنان سازمان تبیین می‌نماید.

سازمان‌های مردم‌نهاد به طور داوطلبانه توسط مردم تأسیس می‌شوند. علی‌رغم اینکه این سازمان‌ها باید تابع قوانین و مقررات خاص باشند ولی اصولاً تشکیلات دولتی نباید در شرایط عادی دستور تشکیل، اداره و انحلال آن را صادر کند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۴۷). آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در تبصره ۵ ماده ۱، داوطلبانه بودن را عبارت از مشارکت، تأسیس و اداره سازمان بر اساس اصل آزادی اراده دانسته است. در کشورهای مختلف قوانینی وجود دارد که با رعایت شرایطی به انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه می‌دهد تا با انجام تشریفاتی به ثبت رسیده و از شخصیت حقوقی برخوردار شوند. این امر باعث جلب اعتماد مردم به منظور همکاری با این سازمان‌ها می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۴۷). آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴ در همین راستا در ماده ۲ مقرر می‌دارد: «سازمان پس از اخذ پروانه فعالیت و ثبت برابر ضوابط این آیین‌نامه و سایر مقررات جاری دارای شخصیت حقوقی می‌گردد».

با توجه به ماهیت خصوصی و غیردولتی این سازمان‌ها، انتخاب مدیران توسط اعضا صورت می‌گیرد و در صورت عدم رضایت از عملکرد آن‌ها، توسط اعضا برکنار می‌شوند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۴۷). آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴ در این باره مقرر می‌دارد: «اساسنامه سازمان باید به رأی‌گیری آزاد از تمام اعضاء برای انتخاب مدیران و همچنین نحوه تغییر مدیران و دوره تصدی آن‌ها و نیز تصمیمات اساسی در ایجاد هرگونه تغییر و تأثیرگذاری تصریح کند». این سازمان‌ها از لحاظ مالی خودمختار هستند اگرچه ممکن است از دولت، خیرین، سازمان‌های بین‌المللی و... کمک‌هایی را دریافت کنند ولی این کمک‌ها نباید باعث شود که این سازمان‌ها استقلال و خودمختاری خویش را از دست بدهند و وابسته دولت باشند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۴۸). این سازمان‌ها تعهد اجتماعی دارند و ساختار و نحوه فعالیت

این سازمان‌ها با تشکیلات سیاسی متفاوت است (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۴۸). تبصره ۳ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴ در این باره مقرر می‌دارد: «اهداف سیاسی دربردارنده فعالیت‌ها است که مشمول ماده ۱ قانون احزاب نگردد». ماده ۱ قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰ هم مقرر می‌دارد: «حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آن‌ها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کل نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌باشد».

## ۲-۳. سرمایه اجتماعی

درباره زمان و مکان باب شدن مفهوم سرمایه اجتماعی هنوز توافق جدی وجود ندارد. برخی منابع معتقدند برای اولین بار واژه «سرمایه اجتماعی» در سال ۱۹۱۹ در مقاله شخصی به نام هانی فان<sup>۱</sup> نوشته شده است که وی معتقد بود سرمایه اجتماعی به جنبه‌های محسوسی اشاره دارد که در زندگی مردم یافت می‌شود. به عنوان مثال حسن نیت، رفاقت، همدردی، داد و ستد، روابط میان افراد خانواده که واحدهای اجتماعی را درست می‌کنند به خوبی دیده می‌شود (شریف ثانی، ۱۳۸۰، ص ۵۷). نظریه هانی فان نیم قرن مسکوت ماند تا اینکه در سال ۱۹۶۱ جیمین یاکوب<sup>۲</sup> در اثر کلاسیک خود (مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی) این مفهوم را بکار برد. در ادامه گلن لوری<sup>۳</sup> اقتصاددان و همچنین ایوان لایت<sup>۴</sup> جامعه‌شناس این اصطلاح را در دهه ۱۹۷۰ برای

- 
1. Hanifan
  2. Jane Jacob
  3. Galen Lorry
  - 4 Ivan Light

تبیین مشکل توسعه اقتصادی درون شهری بکار برد. لوری سعی داشت که این مفهوم را جهت تشخیص منابع اجتماعی سودمند برای توسعه سرمایه انسانی وارد اقتصاد کند (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۵۷).

سرمایه اجتماعی توسط جیمز کلمن<sup>۱</sup>، فرانسیس فوکویاما<sup>۲</sup> و رابرت پاتنام<sup>۳</sup> با دیدی کارگرایانه و توسط پیر بوردیو<sup>۴</sup> با دیدی مارکسیستی گسترش یافت. صاحب‌نظرانی چون جیمز کلمن، پاتنام، فوکویاما و بوردیو بر اساس یک مدل برای سرمایه اجتماعی چهار بعد را برشمردند که عبارتند از بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که با توجه به حوصله مقاله به بحث اجتماعی و فرهنگی می‌پردازیم. یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مسئولیت‌پذیری می‌باشد. احساس مسئولیت در مقابل جامعه و مسئولیت فردی از عواملی است که مجموعاً فرد را در سازمانی به تصمیم‌گیری اخلاقی قادر می‌سازد. رابینسون<sup>۵</sup> بیان می‌دارد مسئولیت اجتماعی یکی از وظایف سازمان‌ها در جهت منتفع ساختن جامعه است به نحوی که هدف اولیه سازمان یعنی حداکثر کردن سود را در نظر بگیرد (ویت فورد، ۲۰۰۰).

مسئولیت اجتماعی وظیفه‌ای است که بر عهده مؤسساتی است تا بر زندگی اجتماعی کسانی که در آن کار می‌کنند اثر سوء نگذارند (لوفلین، ۲۰۰۳). بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که احساس تعهد و مسئولیت توسط مدیران در سازمان‌ها و سپس در سطح وسیع‌تر در قبال جامعه و شهروندان می‌تواند سرمایه اجتماعی را بهبود بخشد. رابطه متقابل ارتباطات دو شخص یا گروهی است که می‌تواند

---

1 James Coleman

2 Francis Fukuyama

3 Robert Putnam

4 Pierre Bourdieu

5 Robinson

صورت‌های گوناگونی چون همکاری و دوستی به خود بگیرد (لوح، ۲۰۰۳). بنابراین در جامعه‌ای که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشد رابطه متقابل میان آحاد مختلف آن جامعه به شکل مناسبی صورت خواهد پذیرفت. بورديو سرمایه اجتماعی را دارای دو مؤلفه می‌داند: یک. به عنوان یک منبع با عضویت گروهی و شبکه‌های اجتماعی مرتبط است. دو. میزان سرمایه اجتماعی یک فرد خاص به حجم شبکه‌ی ارتباطی او وابسته است. برای بورديو سرمایه اجتماعی یک پدیده جمعی است حتی اگر از چشم انداز کنشگرهای آن نگاه شود (لینچ، ۱۹۹۷).

### ۳-۳. فرآیند دادرسی کیفری

از زمانی که اقدامات تعقیبی به جریان می‌افتد تا زمانی که مجازات یا هر نوع واکنش بر مرتکب جرم انجام می‌شود مراحل مختلفی سپری می‌شود. این مراحل عبارتست از تعقیب، تحقیق، محاکمه و دادرسی و نهایتاً اجرای مجازات که از لحاظ کیفری به آن «فرایند کیفری» می‌گویند. حل و فصل دعوا علاوه بر شیوه جبرانی و مجازات‌گرا شامل شیوه‌های ترمیمی است که می‌توان آن را «کنترل کیفری» یا «حل و فصل مسالمت آمیز دعوی کیفری» نامید. عبارت «فرایند کیفری» دارای معنای گسترده‌ای است. اگرچه فرایند کیفری صرفاً شامل اقدامات قضایی مذکور در قانون یعنی اقدامات رسمی قضایی است ولی در این خصوص نباید از کارکرد اجتماعی، غیر رسمی و واقعی نهادهای مختلف رسیدگی غافل بود (راجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

### ۳-۴. نقش سمن‌ها در فرایند کیفری

سمن‌ها در فرایند دادرسی کیفری نقش‌های مختلفی را در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان و نظارت بر رفتار دولت‌ها ایفا می‌کنند که ذیلاً به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم:



#### ۱-۴-۳. حمایت از بزه‌دیدگان

قانونگذار در ماده ۶۶ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ به نقش حمایتی سازمان‌های مردم‌نهاد از بزه‌دیدگان پرداخته است. قانونگذار در این ماده به نوعی از حمایت کیفری و شکلی از بزه‌دیدگان اشاره کرده است. حمایت شکلی عبارتست از پیش‌بینی ساز و کارهایی برای احقاق حق‌های بزه‌دیده در چهارچوب قانون که بدین اعتبار می‌توان از آن به ساز و کارهای آیین دادرسی مدار نیز یاد کرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۹۱)

حمایت از بزه‌دیدگان در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بر این اندیشه استوار است که جامعه به طور کلی و نظام قضایی به طور خاص باید در همه لایه‌های خود (مشارکتی، اجرایی، قانونگذاری و ...) توجه به حقوق شایسته و نیازهای بایسته بزه‌دیده را وارد سازند و به ترمیم آسیب دیدگی و جبران آثار بزه‌دیدگی آنان جامه عمل بپوشانند. واژه بزه‌دیده هم دربردارنده بزه‌دیدگان مستقیم و هم بزه‌دیدگان نامستقیم است به سخن دیگر این واژه نه تنها خود بزه‌دیده بلکه خانواده بی‌واسطه (درجه یک) یا بستگان بزه‌دیده مستقیم و شخصی را که در جریان کمک به بزه‌دیدگان مصیبت دیده یا در جریان پیشگیری از بزه‌دیدگی به آسیب دچار می‌شوند (بزه‌دیدگان غیر مستقیم)، نیز دربر می‌گیرد.<sup>۱</sup> بنابراین ذیلاً به بررسی شرایط و نحوه حمایت کیفری از بزه‌دیدگان می‌پردازیم.

#### ۲-۴-۳. شرایط حمایت سمن‌ها از بزه‌دیدگان در فرایند کیفری

علی‌رغم اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد بزه‌دیده اصلی نیستند اما قانونگذار برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان، مداخله این سازمان‌ها را در فرایند کیفری مورد پذیرش قرار داده

---

1. *Guide for Policy Makers on the Implementation of the United Nations Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*; p. 15.

است اما این مداخله وابسته به شرایط و محدود به ماده ۶۶ است که ذیلاً به بررسی هر یک از این شرایط می‌پردازیم:

### ۳-۴-۳. حوزه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مطابق ماده ۶۶

در اساسنامه تاسیس سازمان‌های مردم‌نهاد شرایط و مقرراتی تعیین و تصویب گردیده است که ماده ۲ آن اساسنامه درباره نوع فعالیت این سازمان هاست. فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد باید غیر انتفاعی و غیر دولتی باشد. طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری حوزه فعالیت این سازمان‌ها حصری و احصاء شده است و شامل سازمان‌هایی است که اساسنامه آن‌ها درمورد حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، بیماران و ناتوانان ذهنی یا جسمی، منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندان است و شامل سایر حوزه‌ها مانند حمایت از اشخاص مستمند، زندانیان و... نمی‌شود.

### ۳-۴-۵. کسب رضایت بزه دیده

اگر جرمی بزه دیده خاص داشته باشد این سازمان‌ها برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان خاص باید از آن‌ها کسب رضایت کنند. تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند».

### ۳-۴-۶. برخورداری از شرایط مقرر در تبصره ۳ م ۶۶

سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند طبق ماده ۶۶ از بزه‌دیدگان حمایت کیفری به عمل بیاورند که اولاً مجوز لازم را از مراجع مربوط اخذ کنند و ثانیاً اگر اعلام جرم

آن‌ها سه بار متوالی رد شود برای یکسال نمی‌توانند از حق مذکور در ماده مذکور استفاده کنند. قانونگذار در سال ۱۳۹۵ با تصویب ماده ..... از احکام دائمی این مقرر را جایگزین تبصره ۳ سابق نمود که در واقع نوعی ایجاد محدودیت در قدرت سمن‌ها برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان و تضعیف سرمایه اجتماعی آن‌ها محسوب می‌شود. تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۵ مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به طور قطعی رد شود، برای یکسال از استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون ذکر شده، محکوم می‌شوند».

#### ۵-۳. نحوه مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تا قبل از اصلاحات ۱۳۹۴ چهار حق را برای سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان در نظر گرفته بود: ۱- اعلام جرم ۲- شرکت در مراحل دادرسی ۳- اقامه دلیل ۴- اعتراض به آراء. ماده مذکور تا پیش از اصلاحات ۱۳۹۴ از این قرار بود: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند». متأسفانه در اصلاحات سال ۱۳۹۴ دایره اختیارات این سازمان‌ها محدود به دو مورد اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی شد. ماده مذکور به این شکل اصلاح شد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از

اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند». ذیلا به بررسی دو اختیار این سازمان‌ها می‌پردازیم:

### ۱-۵-۳. حق اعلام جرم

بیشتر سازمان‌های مردم نهاد توسط اعضای خود یا اشخاص وابسته به خود اطلاعات مختلفی را در زمینه‌ی کاری خود گردآوری می‌کنند و در اختیار دارند. مخاطبان این اطلاعات می‌تواند عموم جامعه یا قشر خاصی از آن همچون حقوقدانان، پلیس و... باشند (گلشن پژوه، ۱۳۸۵، ص ۷۲). یکی از کارکردهای بسیار مهم این اطلاعات درخصوص «رقم سیاه» بزهکاری و بزه دیدگی است. رقم عمده‌ای از بزهکاری و بزه دیدگی از دید سازمان‌های مربوطه مانند دستگاه قضایی، ضابطان دادگستری و... پنهان مانده است (راجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۹۲). سازمان‌های مردم نهاد که ارتباط نزدیکی با بزه‌دیدگان دارند می‌توانند در این خصوص اطلاعات گردآوری شده خود را در اختیار نهادهای قضایی قرار دهند و از این طریق از بزه‌دیدگان حمایت کنند. این امر در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ مورد تأکید قانونگذار قرار گرفته است. ماده ۶۶ مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم نهاد... می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند...»

پس از اصلاحات سال ۱۳۹۴ حق اعتراض و اقامه دلیل از سمن‌ها گرفته شد و این سازمان‌ها فقط می‌توانند اعلام جرم و در مراحل دادرسی شرکت کنند. انتقادی که می‌توان بر قانونگذار وارد دانست این است که در واقع حق اعلام جرم، حقی ویژه و مختص سمن‌ها نیست و طبق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام جرم توسط

«ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن» هم صورت می‌گیرد. بنابراین اگر سمن‌ها هم اعلام جرم نکنند اشخاص و مقامات فوق این حق را دارند.

### ۲-۵-۳. حق شرکت در تمامی مراحل دادرسی

در سال ۱۳۹۴ تبصره ۴ به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری الحاق شد. طبق این تبصره: «اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلائل خود را به مراجع قضائی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند». اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی هم اصل را بر علنی بودن محاکمات می‌داند و استثنائات آن را بر می‌شمارد. طبق این اصل: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». بنابراین سازمان‌های مردم نهاد اصولاً حق شرکت در جلسات دادرسی را دارند مگر در جرائم منافی عفت که حق شرکت در جلسات را ندارند و فقط می‌توانند اعلام جرم کنند و دلائل خود را به مراجع قضایی صالح ارائه دهند.

### ۳-۶. تهیه و ارائه راهکارها و پیشنهادات

از آنجایی که سازمان‌های مردم نهاد در زمینه بخصوصی فعالیت‌های خود را متمرکز کرده‌اند دارای اطلاعات و تجربیات زیادی در این خصوص هستند و می‌توانند با ارائه این راهکارها و پیشنهادات، دولت را در زمینه سیاست گذاری‌های کلان کمک کنند. در دنیای امروز مدیران عاقل تصمیمات خود را با موافقت ذینفعان اتخاذ می‌کنند (اقبال، کمالیان، ۱۳۹۰، ص ۵).

ارائه پیشنهاد از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد مسبوق به سابقه است. مثلاً رابرت کاریو<sup>۱</sup> بزه‌دیده شناس فرانسوی معتقد است که جایگاه و شأن فعلی بزه‌دیدگان فرانسه مرهون تلاش‌ها و پیگیری‌های انجمن‌های بزه‌دیدگان است که در طول دهه‌ها فعالیت‌های خود را مستمراً ادامه داده‌اند (Cario, 2005, p.3).

در ایران نیز می‌توان به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ اشاره کرد که رسالت آن جلوگیری و مقابله با پدیده بزه‌دیدگی کودکان است و با تلاش‌ها و پیگیری‌های «انجمن حمایت از کودکان» به تصویب رسید. (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۶۲)

این امر در ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴ مورد تأکید واقع شده است: «سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی مکلفند در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نسبت به اخذ نظر سازمان‌های مردم‌نهاد اقدام و حسب مورد آن‌ها را برای شرکت در جلسات دعوت و گزارشی از نقطه نظرات ارائه شده را در اسناد سازمان ذیربط ثبت نمایند.»

### ۳-۷. آگاه‌سازی بزه‌دیدگان

کارکردهای آموزش سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند به نفع بزه‌دیدگان واقع شود. آگاه‌سازی بزه‌دیدگان و آموزش آن‌ها در برگیرنده اطلاع‌رسانی به آن‌ها درباره حقوق و تکالیف قانونیشان است. مباحث حقوقی معمولاً دشوار و پیچیده هستند. بنابراین لازم است که این سازمان‌ها اطلاعات حقوقی را به زبانی ساده در اختیار بزه‌دیدگان قرار دهد (راجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۶۱).

### ۳-۸. معاضدت‌های اجتماعی و حقوقی

بخش دولتی و رسمی جامعه برای حل معضلات اجتماعی مانند فساد، فقر، جرائم و ...

معمولاً با مشکل مواجه می‌شوند زیرا از طرفی منابع مالی محدودی را در اختیار دارند و از طرفی معضلات اجتماعی بسیار زیاد است. در همین جاست که نقش سازمان‌های مردم‌نهاد متجلی می‌شود و می‌تواند برای رفع این مشکلات به دولت کمک کند (گلشن پژوه، ۱۳۸۵، ص ۷۵). برخی از معضلات وجود دارند که توسط دولت ایجاد و پنهان می‌شود. مثلاً می‌توان به نقض حقوق بشر توسط دولت اشاره کرد که دولت تمایلی به آشکار ساختن آن ندارد و در این بین بزه‌دیدگان نقض حقوق بشر بی‌پناه می‌مانند. در اینجا سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با ایفای نقش خود به این بزه‌دیدگان کمک کنند. از جمله سازمان‌های مردم‌نهادی که در راستای کمک به بزه‌دیدگان حقوق بشری فعالیت می‌کنند می‌توان به این سازمان‌ها اشاره کرد: عفو بین‌الملل، دیده بان حقوق بشر، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر و...  
(Ryfman, 2009, p.44)

### ۹-۳. همکاری در اجرای سیاست‌های جنایی دولت

سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با دولت‌ها در راستای اجرای سیاست‌های جنایی دولت مبنی بر حمایت از بزه‌دیدگان همکاری کنند. در این خصوص بند پ ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴ یکی از اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد را «کمک به اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی از طریق توافق و تفاهم با آنها» می‌داند.

در فرانسه در سال ۱۹۸۲ کمیسیون مطالعات و ارائه پیشنهاد در خصوص کمک به بزه‌دیدگان تأسیس شد و راهکارهایی را درباره کمک به بزه‌دیدگان به وزارت داگستری ارائه داد. این راهکارها و پیشنهادات به انجمن‌ها و سازمان‌های حمایت از بزه‌دیدگان مجال داد تا با مراجع دولتی همکاری‌های لازم را برای کمک به بزه‌دیدگان داشته باشند (Carro, 2005, p.2).

### ۱۰-۳. مبارزات تبلیغاتی و تأثیرگذاری بر فرآیند قانونگذاری

سازمان‌های مردم نهاد از طرق مختلف می‌توانند عقاید و خواسته‌های خود را تبلیغ کنند. کارکرد تبلیغاتی این سازمان‌ها در امور غیرسیاسی و عام المنفعه است. این سازمان‌ها می‌توانند با پرداختن به موضوع بزه‌دیدگان و تبلیغات پیرامون آن، حساسیت جامعه را برانگیخته و در نتیجه افکار عمومی و حتی موضع قانونگذار را با خود همسو کنند. مثلاً در فرانسه انجمن‌های مبارزه با خشونت علیه زنان توانسته‌اند با فعالیت‌ها و تبلیغات فراوان خود علاوه بر تأثیرگذاری بر افکار جامعه و بسیج عمومی، دیدگاه قانونگذار را هم به سوی خود جلب کرده و در فرآیند قانونگذاری مؤثر بوده‌اند (Lopez, 2010, p.148).

### ۱۱-۳. نظارت بر اعمال تخلفات دولت

برخی از سازمان‌های مردم نهاد با نظارت بر رفتار دولت‌ها و انتشار گزارش‌هایی اگرچه به طور غیررسمی، میزان پایبندی دولت متبوع خود یا دولت‌های دیگر را در قبال تعهدات داخلی یا بین‌المللی تحلیل و ارزیابی می‌کنند (گلشن پژوه، ۱۳۸۵، ص ۷۶). این امر در اسناد مهم بین‌المللی مرتبط با مقابله با بزهکاری مورد توجه واقع شده است. از جمله می‌توان به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۲۰۰۳ اشاره کرد. ماده ۳ این کنوانسیون که در تاریخ ۱۳۸۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو در چهارچوب امکانات خود و طبق اصول اساسی قانون داخلی خود، اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد تا شرکت فعالانه افراد و گروه‌های خارج از بخش دولتی مثل جامعه مدنی، سازمان‌های مردم نهاد و سازمان‌های جامعه مدار را جهت جلوگیری و مبارزه با فساد ارتقاء دهد...».



۱۲-۳. راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری

۱-۱۲-۳. تصویب قانون جامع، حاکم بر فعالیت مشارکتی سمن‌ها در فرایند کیفری

پیوند و ارتباط حمایت اجتماعی با سیاست جنایی مشارکتی ممکن است در سطح سیاست جنایی قانونگذارانه نیز نمایان شود. بر این پایه جامعه مدنی می‌تواند در فرایند قانونگذاری بسیار مؤثر باشد به گونه‌ای که حتی ممکن است در تهیه یک پیش‌نویس قانونی که با گذراندن مسیر قانونگذاری سرانجام به قانون تبدیل شود نقش سازنده‌ای داشته باشد نمونه برجسته این موضوع قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ است که سنگ بنای نخستین آن در یکی از کوشاترین نهادهای مدنی به نام انجمن حمایت از حقوق کودکان نهاده شده است (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۶۲-۶۳). تلاش‌های سازمان‌های بهزیستی کشور در کنار پیگیری‌های این انجمن بی‌گمان یکی دیگر از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی این بار در عرصه حمایت از کودکان بزه دیده است (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۶۲) بدین ترتیب می‌توان گفت که دستیابی به یک الگوی مطلوب حمایت اجتماعی از گذر همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و جامعی عالی‌ترین هدف به شمار می‌آید که یک سیاست جنایی کارآمد با بهره‌گیری از آن می‌تواند به همه جنبه‌های گوناگون همه بزه دیده‌های جامعه عمل بپوشاند. در اجرای سیاست‌های حمایتی دولت از بزه‌دیدگان دستورالعمل‌های متعددی تدوین و به صورت آزمایشی تا پایان سال مالی ۱۳۸۸ به مورد اجرا گذارده می‌شود بدیهی است با توجه به نبود ادبیات حقوقی در موضوع پس از پایان مدت اجرای آزمایشی و در صورت تمدید ردیف بودجه و وصول پیشنهادهای مراجع ذیربط و صاحب‌نظران و بررسی تجدید نظر لازم در آن در سال‌های اخیر به عمل آمده است (ص ۲۵۱ بزه دیده شناسی حمایتی).

۲-۱۲-۳. گسترش دامنه اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد

در قانون مذکور تا قبل از اصلاحات خرداد ۱۳۹۴ دارای چهار نقش بودند که عبارتند بودند از اعلام جرم، شرکت در مراحل دادرسی، اقامه دلیل، اعتراض به آراء مراجع

قضایی که با در نظر گرفتن این چهار نقش سازمان‌های مذکور به طور دقیق‌تر به اهداف مورد نظر سیاست جنایی مشارکتی نزدیک می‌شد. علی‌رغم این موضوع در خرداد ماه سال ۱۳۹۴ دستخوش اصلاحاتی گردید. که دایره اختیارات سازمان‌های مذکور محدود گردید و فقط به عنوان یک اعلام‌کننده جرم و شرکت‌کننده در دادرسی تنزل یافت. از این رو حق اعلام جرم، حقی ویژه و مختص سمن‌ها نیست و طبق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام جرم توسط «ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن» هم صورت می‌گیرد. بنابراین اگر سمن‌ها هم اعلام جرم نکنند اشخاص و مقامات فوق این حق را دارند.

### ۳-۱۲-۳. عدم حصری بودن موضوع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد

طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری حوزه فعالیت این سازمان‌ها حصری و احصاء شده است و شامل سازمان‌هایی است که اساسنامه آن‌ها در مورد حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، بیماران و ناتوانان ذهنی یا جسمی، منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندان است و شامل سایر حوزه‌ها مانند حمایت از اشخاص مستمند، زندانیان و... نمی‌شود. از آنجا که برخی از جرم‌ها به آسیب بدنی یا روانی می‌انجامد، درمان این آسیب‌ها را می‌توان به منزله حمایت پزشکی از بزه دیده در نظر گرفت. حمایت پزشکی ممکن است در درمان‌های فوری اورژانسی ضرورت پیدا کند. در این صورت دریافت گواهی پزشکی برای پیگیری‌های قضایی پسین بسیار اهمیت دارد. همچنین این حمایت ممکن است به شکل درمان‌های عادی یا عمومی باشد که به ویژه در خشونت‌های خانگی اهمیت پیدا می‌کند. حمایت پزشکی را می‌توان در سطح سیاست جنایی قانونگذارانه (برای نمونه در چهارچوب قانون آیین دادرسی کیفری) و نیز سیاست جنایی مشارکتی (برای نمونه از گذر سازمان‌های غیر دولتی) تصور کرد.

#### ۴-۱۲-۳. پیش بینی زمینه‌های حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم توجه به بزهدیدگان در سطح بین المللی پیش از گذشته پیشرفت کرد. در این میان نقش سازمان‌ها مانند انجمن بین المللی، حقوق جامعه بین المللی، دفاع اجتماعی و جامعه بین المللی جرم‌شناسی بسیار چشمگیر بود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۲، ص ۵۵۳). هنگامی که دولت با همه نیروهای خود به همراه جامعه مدنی با همه ظرفیت‌های خود در چهارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی در راه حمایت از بزهدیدگان گام بر می‌دارد چهره‌ای از یک الگوی فراگیر و مطلوب حمایتی به نام حمایت اجتماعی به تصویر کشیده می‌شود. ریشه‌های حمایت اجتماعی از بزهدیدگانی را باید در تحولات نیمه دوم سده بیستم در عرصه حقوق بشر جستجو کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر که اجرای بسیاری از مفاد آن در دو میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. حمایت اجتماعی پیش از هر چیز از گذر انجمن‌ها یا نهادهای جامعه عمل می‌پوشد که ابتکار خود بزهدیدگان راه‌اندازی شده یا برخی از نهادهای رسمی یا وزارت‌خانه‌ها آن را راه‌اندازی می‌کنند. بزهدیدگان پاره ای از جرم‌ها به ویژه جرم‌های خشونت بار گاهی به راه‌اندازی انجمن‌ها کمک به بزهدیدگان خاص، به حمایت از بزهدیدگانی می‌پردازند که پیشتر همچون خودشان زهر بزهدیدگی چنین جرم‌هایی را چشیده‌اند. این انجمن‌ها بیشتر با راه‌اندازی صندوق‌های جبران خسارت یا بهره‌گیری از روانشناسان و روانکاوان مختص کمک مالی یا عاطفی در اختیار بزهدیدگان می‌گذارند (لپز، ژرار و ژینیا، فیلیزولا، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱). امروزه در فرانسه همراهی روانی بزهدیدگان بالغ در مراکز خصوصی روان درمان‌ها صورت می‌گیرد. بعضی از انجمن‌های کمک به بزهدیدگان نیز پذیرش بزهدیدگان توسط روانشناسان را تضمین کرده است اما در مراکز پزشکی قانونی موجود در مراکز بیمارستانی فرانسه هیچ گونه پیگیری روانی تضمین نشده است. در

آمریکا نیز همانند کانادا در مراکز پذیرش بزه‌دیدگان روانشناسان به طور دائم به منظور پذیرش بزه دیدگانی که دچار تروماتیسیم شده‌اند حضور داشته، پیگیری روانی را به آن‌ها پیشنهاد می‌کند (ژرار لپز، ژینا فیلیزولا، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰).

در کشورهایایی که تشکل‌های مردمی یا جنبش‌های سیاسی اجتماعی مجال خود نمایی پیدا می‌کنند، این تشکل یا جنبش‌ها با راه اندازی انجمن‌های خاصی به حمایت از بزه‌دیدگان می‌پردازد. برای نمونه می‌توان از انجمن‌های فمینیستی در فرانسه نام برد (لپز، ژرار و ژینیا، فیلیزولا، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲). در کنار انجمن‌های مردمی و برخاسته از جامعه مدنی حمایت اجتماعی ممکن است از گذر نهادهای رسمی جامعه عمل بپوشد در این پایه برخی از وزارت خانه‌های دولتی یا دستگاه قضایی با راه اندازی انجمن‌ها یا صندوق‌های دولتی جبران خسارت، برای هموار کردن راه دسترسی بزه‌دیدگان به دادگری گام بر می‌دارند. برای نمونه وزارت دادگستری فرانسه برای راه اندازی دفتر حمایت از بزه‌دیدگان در سال ۱۹۸۲ به ایجاد نزدیک به ۱۵۰ انجمن حمایتی در این کشور کمک کرده است (لپز، ژرار و ژینیا، فیلیزولا، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱). وظیفه این انجمن‌ها اطلاع رسانی مناسب به بزه‌دیدگان سراسر فرایند جنایی، کمک مالی در زمان‌های ضروری و حتی کمک عاطفی به آن‌ها است و بدین ترتیب حمایت اجتماعی در اینجا نیز حمایت شکلی، مالی و عاطفی در پوشش خود می‌گیرد. انجمن‌های متعددی در کشور فرانسه به ابتکار خود بزه‌دیدگان یا مؤسسات مختلف و یا جنبش‌های سیاسی، عقیدتی ایجاد شده همانند انجمن‌های بزه دیدگان<sup>۱</sup>. این انجمن‌ها به ابتکار قربانیان خسارات خاصی ایجاد شده‌اند (همانند قربانیان بمب گذاری‌ها، والدین کودکان به قتل رسیده، قربانیات حوادث بزرگی چون فوریانی<sup>۲</sup>، خانواده قربانیان حادثه کو<sup>۱</sup> و ...)

---

1 .Les associations des victims.

2 .furiani

این انجمن‌ها در تلاش‌اند در جریان تحقیقات رسیدگی قضایی به عنوان مدعی خصوصی پذیرفته شوند.

انجمن‌های حمایت از قربانیان تجاوز به عنف<sup>۱</sup> هدف اساسی این انجمن‌ها تشکیل جلسات منظمی به منظور تبادل تجربیات میان بزه‌دیدگان به یاری هم شتافتند و اجتناب از مشاوره و قضاوت کسانی است که وجود هر نوع تجاوز به عنف را که به خاطر آنکه خودشان با آن مواجه نبودند انکار می‌کنند. فرصتی که بزه‌دیدگان در این گروه‌ها برای صحبت کردن پیدا می‌کنند به آن‌ها امکان می‌دهد که مشکلاتشان را بیان کرده و خود را عضو گروه احساس کنند. با این حال برخی از بره‌دیدگان با جدیت برای فعالیت و سازمان دادن به این انجمن‌ها سرمایه گذاری می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند با کمک کردن به دیگران در جهت پشت سر گذاشتن واقعه تجاوز به عنف تجربه‌های خود را مثبت ارزیابی کرده و به آن معنا دهد. انجمن‌های طرفدار حقوق زن (فمینیست‌ها<sup>۲</sup>) جنبش‌های حمایت از زنان قربانی تجاوز به عنف به ابتکار انجمن طرفدار حقوق زنان در آمریکا نضج گرفت. این نوع انجمن‌ها در فرانسه نیز گسترش پیدا کرد. فمینیست‌ها در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ در جهت توجه بیشتر به زنان و برابری میان زنان و مردان به مبارزه برخاستند. قانون دسامبر ۱۹۸۰ به شدت تحت تأثیر خواسته آن‌ها بود.

### ۱۳-۳. افزایش اعتماد مردم به سمن‌ها

در بعد اجتماعی مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، روابط متقابل، شبکه‌ها، مشارکت، آگاهی عمومی، انسجام اجتماعی و مسئولیت اجتماعی مطرح است. برخی در تعریف بعد اجتماعی بیان داشته‌اند سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه

---

1. *sainte odile.*

2. *Les associatios des victims de viol.*

3. *Les associations feministes*

انسانی، به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و... اشاره دارند که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند (رز، ۲۰۰۰). اعتماد عبارتست از تمایل به خطرپذیری در بطن اجتماع بر اساس حس اعتماد به دیگران است. به این شکل که دیگران بر اساس انتظار ما پاسخ داده و به روش حمایتی دوجانبه عمل خواهند کرد و یا لاقلاً اینکه قصد آزاردهی ندارند (روکاکس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸، ص ۳). اعتماد از مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. به جهت اهمیت زیادی که این مفهوم که در زندگی اجتماعی انسان دارد اندیشمندان بسیاری آن را مورد بررسی و مورد کندوکاو قرار داده‌اند. بی‌اعتمادی پدیده روانشناسی است که فرد اطمینان خود و دیگران را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد. از نگاه کلمن توان فراست و خلاقیت را از فرد و گروه می‌گیرد و او را موجودی بی‌تحرك و خنثی تبدیل می‌کند (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

سازمان‌های مردم نهاد به میزان زیادی با سرمایه اجتماعی در ارتباط هستند. میزان مشارکت افراد در انواع سازمان‌های اجتماعی و شبکه‌های رسمی و غیررسمی مدنظر است. شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای اعم از مدرن و سنتی وجود دارد. شبکه‌ها در دو نوع عمودی و افقی هستند. در شبکه‌های افقی شهروندان عضویت دارند که از وضعیت برابری برخوردار هستند و در شبکه عمودی شهروندانی عضوند که در وضعیت نابرابر به سر می‌برند (امیری، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

#### ۴. نتیجه‌گیری

سازمان‌های مردم نهاد در جامعه نقش برجسته‌ای دارند و مداخله این سازمان‌ها در فرآیند کیفی براساس ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است. این

---

سازمان‌ها به عنوان نهادی جهت برقراری ارتباط میان افراد جامعه و نظام عدالت کیفری به شمار می‌روند. از این رو در راستای سیاست جنایی مشارکتی مبنای پیش‌بینی آن در قانون مذکور حمایت از حقوق شهروندان و ایجاد امنیت اجتماعی و عدالت قضایی است. از این منظر نقش اساسی را به دوش دارند. حال جهت تحقق اهداف قانون گذار سازمان‌های مردم نهاد نقش‌های متعددی را ایفا می‌کند که عبارتند از: حمایت از بزه دیدگان، گردآوری اطلاعات و اعلام به مراجع قضایی، تهیه و ارائه راهکارها و پیشنهادات، آگاه‌سازی بزه دیدگان، معاضدت‌های اجتماعی و حقوقی، همکاری در اجرای سیاست‌های جنایی دولت، مبارزات تبلیغاتی و تأثیرگذاری بر فرآیند قانون گذاری، نظارت بر تخلفات دولت که از این موارد دو مورد اعلام جرم و شرکت در دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری منعکس شده است. این در حالی است که در قانون پیش از اصلاحات سال ۹۴ علاوه بر دو مورد اخیر الذکر دو نقش اساسی و کارآمد دیگر به آن‌ها محول گشته بود که عبارتند بودند از: حق اعتراض به آراء قضایی و همچنین حق اقامه دلیل که متأسفانه در پی اصلاحات انجام شده دو مورد اخیر از قانون حذف شد. این در حالی است حق اعلام جرم، حقی ویژه و مختص سمن‌ها نیست و طبق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام جرم توسط «ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن» هم صورت می‌گیرد. بنابراین اگر سمن‌ها هم اعلام جرم نکنند اشخاص و مقامات فوق این حق را دارند. با این حال با وضع چنین اصلاحی در جریان موضوع سبب کاهش سرمایه اجتماعی در میان سازمان مردم نهاد گشته است. از طرف دیگر جهت شرکت در جلسات رسیدگی اصل بر علنی است و اشخاص عادی هم چنین حقی دارند ضمن اینکه محدودیت‌های که برای شرکت در جلسات پیش بینی شده است در مورد سازمان‌ها هم به همین منوال است. اما با در نظر داشتن این مباحث راحل‌های پیشنهاد میشود که عبارتند از تصویب قانون جامع حاکم بر فعالیت مشارکتی سمن‌ها در

فرایند کیفری، عدم حصری بودن موضوع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، پیش‌بینی زمینه‌های حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم، افزایش اعتماد مردم نسبت به سمن‌ها، گسترش دامنه اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد که در صورت توجه به موارد مذکور شاهد توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی سمن‌ها هستیم.

## ۵. منابع

- [۱] راجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). بزه دیده شناسی حمایتی، تهران: دادگستر.
- [۲] راجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). بزه دیده شناسی و تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی، تهران: شهر دانش.
- [۳] زینالی، حمزه (۱۳۸۰). نوآوری‌های قانونی در حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن، تهران: تقدیس.
- [۴] لپز، ژرار و ژینیا، فیلیزولا (۱۳۸۸). بزه دیده و بزه دیده شناسی، تهران، مجد.
- [۵] لپز، ژرار، ژینیا فیلیزولا (۱۳۷۹). بزه دیده و بزه دیده شناسی، روح الله کردعلیوند و احمد محمدی، تهران: مجد.
- [۶] نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۲). نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی، تهران: مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۳ و ۱۴.
- [۷] سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- [۸] گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۵). راهنمای سازمان‌های غیردولتی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- [۹] اقبالی، مسعود و کمالیان، وفا علی (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه پایدار، فصلنامه مهندس کشاورز، شماره ۵۲، صفحات ۳-۲۷.
- [۱۰] زینالی، حمزه (۱۳۸۲). نوآوری‌های قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» و چالش‌های فراروی آن، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷، صفحات .
- [۱۱] رابرت، پانتام (۱۳۷۶). دموکراسی و نشستهای مدنی، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- [۱۲] ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۱). آسیب شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوا نور.
- [۱۳] سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). در آمدیبر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: سمت.



- [۱۴] فو کویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: نشر جامع ایرانیان.
- [۱۵] کلمن، جمیز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه‌ی احتمالی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- [16] Ryfman, Philippe, *Les ONG, la Decouverte, Paris, 2009.*
- [17] Cario, Robert (2005). *L evolution de l aide aux victims en France. Petites Affiches.*
- [18] Lopez, Gerard (2010). *La victimologie. Dalloz, Paris.*
- [19] Loflin, K.(2003). *Bonding and Bridging Social Capital and their Relationship to Community and Political Civic Engagement, The University of North Carolina at Chapel Hill.*
- [20] Loh, J. (2003). *Social Capital and Economic Development: A cross national Study of Social Capital, Trust, Civic Engagement, and Economic Growth of 38 Countries, 1990-1998, The University of Alabama.*
- [21] Lynch, J. & Kaplan, G. (1997). "Understanding How Inequality in the Distribution of Income Effect Health, *Journal of Health Psychology, Vol.2.*
- [22] Rose, R. (2000). "How Much does Social Capital add to Individual Health?", *Social Science and Medicine, Vol. 51.*
- [23] Whiteford, H.(2000). *Human Capital, social capital and Mental Health (WFMH.Thired Quarter New Fetter 2000). Copy Right 1998-2000 world federation for mental Health.*